

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقریرات درس خارج اصول

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدّ رسی طباطبائی نردوی دامت برکات

دوره‌ی دوم - سال یازدهم - سال تحصیلی ۹۴-۹۳

جلسه ۱۶ - یکشنبه ۱۸/۸/۹۳

بررسی تفاوت فرع اجناب عمدی با فروع دیگر، نسبت به جریان لاضرر

مسأله و فرع اجناب عمدی شخصی که می‌داند غسل برایش ضرر دارد یکی از مسائل مشکل فقه است؛ زیرا صرف نظر از قواعد کلیه، روایات خاصه‌ای در مورد آن وارد شده است و متأسفانه این روایات به حسب ظاهر متهافت است و از بعضی روایات^۱ استفاده می‌شود که اگر کسی جنب شود (اطلاق آن شامل اجناب عمدی هم می‌شود) و غسل برایش ضرر داشت لازم نیست غسل کند و بعضی روایات^۲ به گونه‌ای

۱. چندین روایت با سند صحیح در این باره وارد شده است، از جمله این روایت:

✓ وسائل الشیعة، ج ۳، کتاب الطهارة، ابواب التیمم، باب ۵: بَابُ جَوَازِ التَّيْمُمِ مَعَ عَدَمِ التَّمَكُّنِ مِنْ اسْتِعْمَالِ الْمَاءِ لِمَرَضٍ وَ بَرْدٍ وَ جُدْرِيٍّ وَ كَسْرِ وَ جُرْحٍ وَ قَرَحٍ وَ نَحْوِهَا، ح ۷، ص ۳۴۷:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى وَ مُوسَى بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ جَمِيعًا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرِ عَنْ الرَّضَا عليه السلام فِي الرَّجُلِ تُصِيبُهُ الْجَنَابَةُ وَ بِهِ قُرُوحٌ أَوْ جُرُوحٌ أَوْ يَكُونُ يَخَافُ عَلَى نَفْسِهِ الْبَرْدَ فَقَالَ لَا يَغْتَسِلُ يَتَيَمَّمُ.

همچنین بعضی روایات به طور خاص در مورد صحت تیمم در اجناب عمدی وارد شده است، از جمله:

✓ همان، ح ۵:

وَ [محمد بن يعقوب] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْخِرَازِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ بِهِ الْقُرْحُ وَ الْجِرَاحَةُ يُجَنَّبُ قَالَ لَا بَأْسَ بِأَنْ لَا يَغْتَسِلَ يَتَيَمَّمُ.

۲. وسائل الشیعة، ج ۳، کتاب الطهارة، ابواب التیمم، باب ۱۷، بَابُ وَجُوبِ تَحْمُلِ الْمَشَقَّةِ الشَّدِيدَةِ فِي الْغُسْلِ لِمَنْ تَعَمَّدَ الْجَنَابَةَ دُونَ مَنْ احْتَلَمَ

وَ عَدَمِ جَوَازِ التَّيْمُمِ لِلْمُتَعَمِّدِ حِينَئِذٍ، ح ۴، ص ۳۷۴:

وَ عَنْهُ [مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ] عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ تُصِيبُهُ الْجَنَابَةُ فِي أَرْضٍ بَارِدَةٍ وَ لَا يَجِدُ الْمَاءَ وَ عَسَى أَنْ يَكُونَ الْمَاءُ جَامِدًا فَقَالَ يَغْتَسِلُ عَلَى مَا كَانَ حَدَّثَهُ رَجُلٌ أَنَّهُ فَعَلَ ذَلِكَ فَمَرَضَ شَهْرًا مِنَ الْبَرْدِ

است که بیان می‌کند اگر کسی جنب شود و غسل برایش ضرر داشته باشد غسل بر او واجب است. بنابراین حکم إجناب عمدی از حیث روایات، مشکل است.

ما در بحث طهارت بیان کردیم این دو دسته روایات قابل جمع نیستند و در نتیجه تساقط می‌کنند و لذا باید به ادله‌ی عامه‌ی فوقیه رجوع کرد و از جمله‌ی این ادله، آیه‌ی شریفه‌ای است که بیان می‌کند بر مریض غسل لازم نیست. همچنین می‌توان به دلیل لاضرر تمسک نمود، اما همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، در رابطه با تمسک به لاضرر اشکال شده است که:

کسی که عمداً خود را جنب می‌کند و می‌داند غسل برای او ضرر دارد، اقدام به ضرر کرده است و لاضرر شامل مواردی که اقدام به ضرر شده است نمی‌شود، مانند مسأله‌ی خیار غبن برای کسی که عالم به غبن است و از روی علم و عمد اقدام به معامله‌ی ضرریه می‌کند. در اینجا نیز کسی که می‌داند غسل برایش ضرر دارد، در واقع اقدام به ضرر کرده است و لاضرر شامل او نمی‌شود و در نتیجه بعد از تساقط روایات خاصه نمی‌توان به لاضرر تمسک کرد، در حالی که مشهور قائل شده‌اند لاضرر در حق این شخص جاری است. فما الفرق بین مسأله‌ی خیار غبن در صورت علم مغبول که لاضرر جاری نیست و مسأله‌ی إجناب عمدی که لاضرر جاری است؟

برخی در این باب سخنان بسیاری فرموده‌اند اما به نظر می‌رسد تفاوت دو مسأله روشن است.

بیان ذلک: در معامله‌ی غبنیه، شخص اقدام بر نفس معامله کرده است و معامله عین ضرر است، لذا شخص اقدام بر خودِ ضرر کرده است؛ زیرا معامله یعنی تبدیل و تبدیل گاهی مساوی به مساوی و گاهی اعلی به ارضخص و گاهی تبدیل ارضخص به اعلی است و مغبون اقدام به تبدیل اعلی به ارضخص نموده است، پس اقدام به ضرر کرده است و اگر بگوییم این معامله فاسد است هیچ فسحه و منّتی بر او نخواهد بود؛ زیرا خودش خواسته است این ضرر را تحمل کند، اما در مسأله‌ی إجناب عمدی، شخص خواسته است جنب شود و به هیچ وجه حتی قصد غسل هم نداشته است، چه رسد به غسل ضرری و حتی اگر اصل غسل از او برداشته شود چه بسا خوشحال گردد و لذا مقدم بر ضرر نیست و لاضرر فقط در حق مقدم بر ضرر جاری نیست، بنابراین بعد از تساقط ادله‌ی خاصه می‌توان به لاضرر تمسک کرد.

فَقَالَ اغْتَسِلْ عَلَى مَا كَانَ فَإِنَّهُ لَا بُدَّ مِنَ الْغُسْلِ وَ ذَكَرَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ اضْطُرَّ إِلَيْهِ وَ هُوَ مَرِيضٌ فَأَتَوْهُ بِهِ مُسَخَّنًا فَاغْتَسَلَ وَ قَالَ لَا بُدَّ مِنَ الْغُسْلِ.

یک اشکال

اقدام به جنابت و إجناب نفس به منزله‌ی علت تامه‌ی وجوب غسل است، پس باید گفت این شخص اقدام بر ضرر کرده است.

پاسخ مرحوم آخوند به اشکال

ایشان فرموده‌اند^۱ می‌پذیریم اقدام بر موضوعی که حکم منحصر آن ضرری است مساوی با اقدام به ضرر است و لعل کسی در اینجا بگوید اقدام بر جنابت چون حکمش غسل ضرری است پس اقدام بر ضرر است و در نتیجه لاضرر شامل حال این شخص نمی‌شود، ولی در ما نحن فیه این سخن درست نیست و مبتلای به دور است.

بیان دور: زمانی می‌توان گفت این شخص اقدام به غسل ضرری کرده است که لاضرر در حق او جاری نباشد و إلا اگر لاضرر در حق او جاری باشد اصلاً غسل بر او لازم نیست و او اقدام بر ضرر نکرده است، از طرفی می‌دانیم لاضرر زمانی در حق او جاری نیست که او اقدام بر ضرر کرده باشد، پس اقدام بر ضرر متوقف بر اقدام بر ضرر شد و هذا دور. پس باید گفت اساساً در اینجا اقدام بر ضرر وجود ندارد؛ زیرا وجودش دوری است، لذا لاضرر شامل حال چنین شخصی می‌شود.

فعلاً در اینجا از بررسی این جواب صرف‌نظر می‌کنیم و اعتماد به جواب دوم داریم.

پاسخ دیگری به اشکال

در مورد خیار غبن اقدام به چیزی شده است که ماهیت آن ضرر است؛ زیرا اساساً این معامله ضرری است اما در قضیه‌ی إجناب نفس، حکمی که جاری می‌شود ضرری است و این شخص اقدام به حکم نکرده است بلکه اقدام به موضوع کرده است و ترتب قهری حکم، قهر ذاتی و عقلی نیست بلکه این ترتب

۱. قاعدة لا ضرر و لا ضرار (محقق عراقی)، ص ۲۰۴.

و قد أجاب عن هذه العويصة أستاذنا الخراساني قدس سره: بأن صدق الإقدام على الضرر في المعاملة الغبنية في صورة العلم غير متوقف على لزوم المعاملة و عدم جعل حق الفسخ؛ بل الإقدام على تملك مال بئمن لا يساويه، إقدام على الضرر، و لو أمكنه الرجوع و الفسخ، فإذا صدق مع قطع النظر عن اللزوم و عدم جعل حق الفسخ فيمنع من جريان القاعدة لكي تفيد اللزوم، أو جعل حق الفسخ.

بخلافه في مسألة الجنابة فإن الإقدام عليها ليس إقداماً على الضرر ما لم يلحظ ترتب وجوب الغسل عليها، فصدق الإقدام على الضرر موقوف على الوجوب، و هو موقوف على عدم جريان القاعدة، و هو موقوف على صدق الإقدام على الضرر، فيستلزم الصدق للدور فلا يتم، فلا مانع من جريان القاعدة.

از ناحیه‌ی شارع است و فرض آنست که لاضرر اطلاق دارد مگر در مواردی که خود فرد مستقیماً و یا غیر مستقیم اقدام بر ضرر کرده باشد و حکم به دست شارع نباشد و إلا اگر حکم به دست شارع باشد، اقدام بر حکم به ید شارع است نه شخصی که خود را جنب کرده است و شارع با وضع حکم برای او ضرر ایجاد کرده است. پس لاضرر شامل مجنب عمدی می‌شود.

در اینجا سخنان دیگری نیز گفته شده است که ضرورتی در ذکر آنها وجود ندارد و لذا به بررسی مطالب لازم‌تر می‌پردازیم.

بررسی دو فرع دیگر

همان‌گونه که در ابتدای تنبیه چهارم ذکر کردیم، دو فرع دیگر نیز ذکر شده است که شبیه مسأله‌ی إجناب عمدی است ولی فقها در آنجا لاضرر را جاری نکرده‌اند.

فرع اول مسأله‌ی غصب بود که گفتیم اگر کسی قطعه چوبی را غصب کند و با آن کشتی بسازد، هر چند اکثر کشتی مال اوست و تنها یک قطعه چوب مال دیگری است اما گفته شده است اگر صاحب قطعه چوب بخواهد آن را بردارد و فرض آنست که با برداشتن این قطعه، کشتی در دریا غرق می‌شود و ضرر بسیاری به صاحب کشتی وارد می‌شود ولی مادامی که نفس محترمه‌ای تلف نشود مالک قطعه چوب می‌تواند چوب خود را بردارد و لاضرر شامل حال غاصب نمی‌شود.

فرع دیگر، مسأله‌ی اجاره‌ی زمین بود که قبلاً بیان شد که گفته‌اند لاضرر در حق مستأجر جاری نیست و موجر می‌تواند زمین خود را باز گرداند. حال چگونه لاضرر در حق این فرد جاری نیست اما در حق کسی که إجناب عمدی نفس کرده است جاری است؟

بررسی این مسائل مهم است و چه بسا مورد ابتلا واقع شود.

مقرر: سید حامد طاهری

ویرایش و استخراج منابع: محمد عبدالهی